تخفیف ۵۰ درصدی به کادر درمان در دوران پساکرونایی

هتل‌ها، مراکز اقامتی و بومگردی و برخی هتل‌آپارتمان‌های کشورمان هم به حامیان کادر خدمات درمان بیماران کرونایی پیوستند. درواقع ۶۷۶ مرکز اقامتی در ۳۱ استان کشور به ترغیب معاونت گردشگری تصمیم گرفته‌اند تسهیلاتی برای کادر درمان در دوران پساکرونا به میزان حداقل ۵۰ درصد تخفیف قائل شوند. فهرست این مراکز به وزارت بهداشت اعلام شده و مونسان، وزیر میراث فرهنگی گفته، مدیران کل استانی حسن نظارت بر اجرای موضوع را در دستور کار قرار خواهند داد./ جام جم دیلی

به گلستان کوه نروید؛ ممنوع است

بازدیدگردشگران از منطقه نمونه گردشگری گلستان‌کوه در استان اصفهان تا پایان اردیبهشت ممنوع شد؛ خبری که ما از قول رئیس اداره میراث فرهنگی خوانسار نقل می‌کنیم که گفته بازدید از این منطقه با شیوع بیماری کرونا از اسفندماه ممنوع شده‌بود و از آنجا که محل رویش لاله‌های واژگون است، تصمیم گرفته‌شد به منظور تجدید حیات این گیاهان منطقه تا پایان اردیبهشت همچنان بسته بماند./ جام جم دیلی

یادداشت

مشکلات روانی زلزله

محمدحسین عربشاهی
فرماندار زیرکوه

هرسال اردیبهشت‌ماه یادآور زلزله مهیب سال ۱۳۷۶ در شهرستان زیرکوه است؛ زمین لرزه‌ای با شدت ۷/۱ ریشتر که ۱۲۸ روستای منطقه را در هم کوبید و حدود ۱۵ هزار واحد مسکونی را بین ۳۰ تا صددرصد تخریب و ۶۰ هزار نفر بی‌خانمان کرد. در این حادثه نزدیک به ۱۵۶۷ نفر کشته و ۲۳۰۰ نفر هم مجروح شدند. الان با این‌که ۲۳ سال از وقوع زلزله در منطقه می‌گذرد، اما اثرات زلزله چه اثرات روحی و روانی و چه اثرات فیزیکی آن هنوز در بعضی نقاط دیده می‌شود. این موضوع به وضوح در مانور زلزله‌ای که در دی سال گذشته در منطقه برگزار کردیم عیان شد. در این مانور ما برای سنجش آمادگی نیروهای امدادی شرایطی همانند یک زلزله را به وجود آوردیم و همزمان گروه‌های روان‌شناسی هم در منطقه حاضر شدند. نکته‌ای که به چشم من آمد این بود که در نسل قدیمی‌تر یعنی همان‌هایی که از زلزله سال ۷۶ خاطره دارند، واقعا واکنش‌ها عجیب بود، گریه‌ها واقعی بود و حال خیلی‌ها دگرگون شد. انگار با این مانور صحنه‌های آن زلزله قدیمی برایشان دوباره از نو تداعی شده باشد. همین موضوع نشان می‌دهد که هنوز اثرات روحی و روانی زلزله بعد از سال‌ها در منطقه جاری است.

در بحث اثرات فیزیکی هم بعد از زلزله تعداد زیادی از روستاهای منطقه به دو قسمت تقسیم شدند؛ یک روستای جدید که بعد از زلزله ساخته شد و یک روستای قدیم که مکان قبلی بود. بعد از ۲۳ سال دیگر به خیلی از این روستاهای جدید، زیرساخت‌های لازم مثل آب، برق و تلفن داده شده است و با این حال تعدادی از آنها چندان مورد استقبال اهالی قرار نگرفته‌اند، چراکه اهالی از روستای قدیم‌شان خاطره دارند و علاوه بر این مراتع کشاورزی و دامداری‌شان درآن قسمت بوده و عملا از همان جای قبلی استفاده می‌کنند. درحقیقت یکی از چالش‌های ما همین دوگانه‌شدن روستاهای منطقه بعد از زلزله بود.

نمایی از شهرستان زیرکوه که با زلزله زیر و رو شد/ عکس: فرامرز عاملی بردبار

زلزله‌زدگان قائنات خراسان جنوبی بعد از ۲۳ سال هنوز کابوس زلزله دارند

اینجا زمان به وقت زلزله ایستاده است!

مینا مولایی
ایران

۲۳ سال گذشته! ۲۷۶ ماه، ۸۴۰۰ روز! در قائنات خراسان جنوبی، اما هنوز هر وقت خبر زلزله می‌آید، باز مادران دست‌هایشان را روی سر بچه‌هایشان قلاب می‌کنند و پناه می‌گیرند یک گوشه؛ یک گوشه امن کنج اتاق و چشم مردها قفل می‌شود روی لوستر بلوری آویزان از سقف خانه، مبادا که ناغافل به چپ و راست تاب بخورد.

۲۳ سال از زلزله ۷/۱ ریشتری شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۶ گذشته، شنبه‌ای درست مثل همین شنبه‌ای که گذشت؛ اما مردم این منطقه هنوز با خاطرات زلزله زندگی می‌کنند و هروقت سرخط خبرها به‌وقوع یک زلزله در هر کجای کشورمان می‌رسد، توی دلشان یک داغ قدیمی تازه می‌شود؛ داغی که روی صورت زنان اشک می‌شود و در دل مردها آه. اینجا در خیلی از خانه‌ها ساعت به وقت ۱۲ و ۲۸ دقیقه و ۱۲ ثانیه ۲۰ اردیبهشت ۷۶ ایستاده است...

زلزله آمد، بچه‌هایم رفتند

علیا خانم وقتی زلزله آمد ۳۱ ساله بود؛ مادر دو تا بچه قد و نیم قد. هنوز یادش است. اصلا مگر می‌شود یادش برود زلزله‌ای که بچه‌هایش را از او گرفت! آن وقت اسم بچه‌هایش رفت توی آمار ۲۰۹ قربانی روستای اردکول. همان طور که اسم خواهرش رفت. او هنوز هم در همان روستا زندگی می‌کند، همان اردکولی که گفتند مرکز زلزله ۷/۱ ریشتری بوده: «شنبه بود. امیر پسر هشت ساله‌ام رفته بود مدرسه، معلمشان نیامده بود انگار داشتند در حیاط فوتبال بازی می‌کردند که زلزله آمد. شوهرم رفته بود بیرجند و من و دخترم در خانه تنها بودیم، من اول فقط یک صدای بلند شنیدم، فکر کردم کپسول گاز ترکیده، رفتم سمت آشپزخانه که یکدفعه پشت سرم سقف ریخت پایین.»

علیا خانم جزئیات این حادثه را هرچقدر هم که سریع اتفاق افتاده باشد در تمام این سال‌ها بارها توی ذهنش مرور کرده و یادش است که هرچقدر نگاه کرده مینای شش ساله‌اش را ندیده: «من توانستم خودم را از زیر آوار بیرون بکشم، اما جلوی چشمم جز آوار چیزی نبود و هرچقدر اسم دخترم را صدا می‌زدم جوابی نمی‌شنیدم. خاک‌ها را با دست جابه‌جا می‌کردم، اما دخترم را نمی‌دیدم. همان موقع یاد پسرم افتادم، با پای برهنه یک چادر تکه پاره پیدا کردم و رفتم سمت مدرسه، دیدم مدرسه هم خراب شده، خودم پسرم را توی حیاط پیدا کردم وقتی آوار رویش ریخته بود. گفتند ضربه مغزی شده.» او امیر را همان جا انداخت روی کولش و آمد سمت خانه و منتظر نشست تا مردم روستا دخترش را از زیر آوار بیرون بیاورند.

حالا هربار در اخبار تلویزیون از زلزله می‌گویند، یک چیزی توی قلب علیاخانم مچاله می‌شود، حتی اگر او مادر چهار فرزند دیگر شده باشد که از زلزله آن سال خاطره‌ای نداشته باشند، حتی اگر خانه‌اش را دوباره با وام همان جای قبلی ساخته باشد، به یک شکل دیگر! اما یادش نمی‌رود که توی همین خانه، روی همین خاک، اصلا توی همین اردکول، یک روزی زمین جوری لرزید که بچه‌هایش را از او گرفت.

حال امروز اردکول، کانون زلزله

علیا اکبری فقط یکی از اهالی اردکول است، یک نفر از جمعیت ۶۰۰ نفری امروز روستا. جمعیتی که آن سال‌ها هم همین قدر بود اما بعد از زلزله یکدفعه همه چیز تغییر کرد. یکدفعه گورستان روستا بزرگ شد، جمعیت روستا کم! آن‌وقت جنازه ۲۰۹ نفر از اهالی را در همان اردیبهشت تلخ ۷۶ به ردیف گذاشتند توی دل خاک. حسن قادری دهیار اردکول است؛ اردکولی که کانون زلزله بوده و مسیر دوگسل بزرگ! مرد ۴۳ ساله امروز، آن روزها یک جوان ۲۰ ساله بوده و زلزله و تکان‌هایش خوب یادش است: «تکان‌ها شدید و ادامه‌دار بود و همین ادامه‌دار بودن باعث شد خیلی‌ها جانشان را از دست بدهند، چون حتی سقف خانه‌هایی که اسکلت داشتند و میلگرد هم فرو ریخت».

او یادش است که بعد از زلزله تا یک شبانه‌روز آب روستا کاملا قطع بود و وقتی آب وصل شد تا چند روز از شیرها آب قرمز رنگ می‌آمد: «هم فشار آب زیاد شده بود و هم رنگ آب تغییر کرده بود... شرایط خیلی بدی بود... ما یک گورستان قدیمی داشتیم اما جایی برای گسترش نداشت به خاطر همین جنازه‌ها را بردند حدود ۵۰۰ متر دورتر از روستا دفن کردند.»

قبرستان بالا حالا همان جایی است که هرسال اردیبهشت که از راه می‌رسد شلوغ می‌شود، بس که خانواده می‌آید برای برگزاری سالگرد، برای شرکت در یک عزاداری دسته‌جمعی.

جلوی جابه‌جایی روستا را گرفتیم

اردکولی‌ها اما بعد از زلزله با این که روستایشان خراب شده بود، با این که سقف خیلی از خانه‌های مانده لرزان بود دور هم جمع شدند و سفت و سخت ایستادند مقابل تصمیم دولتی‌ها برای جابه‌جایی روستا. سرنوشتی که شنیده بودند در انتظارشان است. چرایش را که می‌پرسیم دهیار اردکول می‌گوید: «آن موقع به خاطر این‌که اردکول در مسیر دو خط گسل بود، می‌گفتند امکان درجاسازی در آن وجود ندارد اما با پافشاری مردم این اتفاق افتاد. مردم چون املاک و دارایی‌شان اینجا بود، زمین‌های کشاورزی و مراتع دامداری داشتند، همین جا ماندند و در نهایت دولت هم حمایت کرد و با تسهیلاتی که در اختیارشان گذاشت خانه‌ها از نو همان جای قبلی ساخته شد.»

البته این وسط خیلی‌ها هم مهاجرت کردند سمت حاجی‌آباد؛ همین است که حالا در حاجی‌آباد شهرکی به اسم اردکولی‌ها وجود دارد. اردکول اما در همین روزها که ۲۳ سال از حادثه زلزله‌اش گذشته، هنوز هم ۵۰۰ نفر جمعیت دارد و ۱۲۳ خانوار. دهیارش اما نگران خانه‌هایی است که در این سال‌ها بدون اصول در همان نقطه قبلی ساخته شده‌اند: «ساختمان‌هایی که بنیاد مسکن ساخت، اصولی است اما تعدادی را خود مردم درست کردند، اینها اصلا درست ساخته نشده و می‌توانم بگویم یک‌سوم خانه‌های اردکول مقاوم نیست و من بارها گفته‌ام که باید از نو ساخته شود چون دربرابر زلزله مقاوم نیستند.»

آبیز دوپاره شد

در آبیز زیرکوه هم تکرار کلمه زلزله هنوز می‌تواند فکر خیلی‌ها را ببرد به سال ۷۶؛ به بیستمین روز از دومین ماهش، همان روزی که از جمعیت ۲۷۰۰ نفری آن زمان آبیز، یکدفعه ۱۸۸ نفر کم شد! ۲۳ سال گذشته و آبیز حالا شهر شده است. مردم آبیز تا یادشان می‌آمد از قدیم زیر سایه شاسکوه زندگی می‌کردند، همان کوهی که وقتی زلزله آمد شروع کرد به لرزیدن: «اول یک صدای خیلی بلندی آمد و من آن موقع توی خیابان بودم، ناخودآگاه سرم چرخید سمت شاسکوه و دیدم که گردوغبار مهیبی توی آسمان است، دیدم که کوه دارد ریزش می‌کند و برگشتم سمت خانه تا پدر و مادر و زن و بچه‌هایم را نجات بدهم که یکدفعه زمین به طور وحشتناکی لرزید.»

کنار آبیز، در روستای اسفاد که زعفرانش از گذشته‌های دور بهترین در منطقه بوده، حالا کشاورزی و کاشت زعفران خوب پیش نمی‌رود.

برکت بارندگی‌های اخیر را نباید نادیده گرفت، اما زلزله ۷۶ قنات‌های زیادی در منطقه را نابود کرد که قنات تاریخی اسفاد یکی از مهم‌ترین‌ها بود.

از آن سال دیگر نه قنات، قنات شد و نه هرگز رونق به کشاورزی برگشت. چند بار اقدام دستگاه‌های دولتی برای ترمیم قنات اوضاع را بهتر کرد ولی حالا بیش از ۲۰ سال است قنات خروشان پر آب این روستا و چند روستای دیگر به اندازه یک چشمه کوچک آب دارند.

مکث

آبیز جدید را کسی دوست ندارد

شهرک جدید آبیز که بیشتر خانه‌هایش خالی است

آبیز و اهالی‌اش در این سال‌ها روزگار متفاوتی از سر گذرانده‌اند؛ انگار روستا هم مثل اهالی‌اش با دو خاطره زندگی می‌کند، روزهای قبل از زلزله و روزهای بعد از زلزله. موضوعی که عباسی عضو شورای شهر آبیز درباره آن می‌گوید: «آن موقع که هنوز زلزله نیامده بود مردم ما در دو قسمت زندگی می‌کردند،؛ یک قسمت آبیز قدیم بود در دامنه کوه و یک قسمت که بعدها به خاطر زلزله سال ۵۸ ساخته شده بود و درحقیقت روستای ما حدود دو کیلومتر جابه‌جایی داشت.»

اما بعد از زلزله سال ۷۶ هم باز یک جابه‌جایی دیگر در طالع آبیزی‌ها نوشته شد: «بعد از زلزله بنیاد مسکن روستا را جابه‌جا کرد و دقیقا در راستای همین روستا در فاصله دوکیلومتر دورتر ۴۸۰ واحد ساخته شد و در طرح توسعه‌ای به این قسمت شهرک جدید آبیز می‌گویند. الان ما سه تا آبیز داریم؛ یکی آبیز قدیم که متروکه شده و فقط اراضی کشاورزی و باغات آنجاست، یکی شهرک قدیم که الان بیشتر جمعیت مسکونی را دارد، یکی همین شهرک جدید که بعد از سال ۷۶ ساخته شد و بیشتر خانه‌هایش خالی است و فقط شاید ۷۰ خانوار دائمی داشته باشد.»

چرا آبیزی‌ها شهرک جدید تازه سازشان را دوست نداشتند؟ جواب این سوال را شورای شهر آبیز بهتر از هرکسی می‌داند: «یکی از دلایلی که باعث شد مردم از شهرک جدید استقبال نکنند، این بود که اینجا اصلا زیرساختی فراهم نبود؛ نه آبی، نه برقی و نه گازی. حتی خیابان‌کشی هم نشده بود. آن زمان شورای وقت خیلی پافشاری کرد که درجاسازی انجام شود، اما با مخالفت بخشداری وقت که اصرار به جابه‌جایی داشتند، این کار انجام شد و در نهایت هم هیچ استقبالی از آن نشد.»

عباسی، عضو شورای آبیز یادش است که خیلی‌ها همان موقع وام کمک به زلزله‌زده‌ها را گرفتند و خودشان در همین شهرک قدیم آبیز، خانه‌هایی ۴۰ متری ساختند: «آن موقع یک میلیون و صد هزار تومان وام می‌دادند، ۸۰۰ هزار تومانش وام ۴ درصد بنیاد مسکن بود، ۲۰۰ هزار تومان بلاعوض بود و صد هزار تومان هم بلاعوض رهبری بود که با مجموع این مبلغ می‌شد یک خانه ۴۰ متری ساخت که در شهرک جدید خیلی از این خانه‌های ۴۰ متری که ساخته شد همین طور بدون استفاده به حال خودش رها شده است.»

خانه‌هایی نیمه‌کاره! بدون در و پنجره با یک اسکلت فلزی و آجرهایی که تا سقف بالا رفته‌اند اما هیچ وقت پناه هیچ آدمی نشده‌اند. خاطرات نسلی که زلزله آبیز را به چشم دیده، چه در شهرک جدیدش ساکن باشند، چه در شهرک قدیم، سیاهی رنگ قالب است؛ هنوز و با گذشت ۲۳ سال، ماجرای مرگ ناگهانی خیلی از قربانیان زلزله برای خانواده‌هایشان حل نشده و همین است که عباسی می‌گوید، آثار روحی و روانی زلزله هنوز در مردم شهر است و این که افسردگی بیماری روحی و مشترک سال‌های اول بعد از زلزله بوده و حالا با گذشت زمان با این که گرد خاطره رویش نشسته اما از بین نرفته و نسلی که زلزله را به چشم دیده‌اند، شادی را فراموش کرده‌اند.

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۶۵۱

جدول عادی

افقی: ۱) نهمین ماه میلادی- از هم پاشیدگی ۲) مار افسانه‌ای- شهری در جنوب غربی فرانسه- آسمان ۳) نابودی- بادبزن برقی- کلرید آمونیوم ۴) سنگ چاقوتیزکنی- دلتنگی- دیگ دهان‌گشاد ۵) ملیح- بی‌سر و صدا- گرداگرد دهان ۶) برنج گیلانی- شیره درخت- دومین شهر بزرگ بلغارستان ۷) به درستی که- ایلات- گازی مرکب از سه اتم اکسیژن ۸) رنگ سیاه- سرزنش- ریزه هر چیز ۹) بسیار درخشان- خدایی- صورت غیرمادی هریک از مخلوقات در آیین زرتشتی ۱۰) پیامبر مدفون در شوش- بدون همسر بودن- مکمل زیبایی رو ۱۱) حرف ندا- زره جنگاوران قدیم- قوس‌های هلالی پیوسته ۱۲) رودی در عراق- اجازه‌نامه- ریگ نرم ۱۳) کنترل دقیق- داستان کوتاه- سفید ۱۴) دالان زیرزمینی- حالت انقباض غیرارادی عضله دیافراگم- با طراوت ۱۵) اثر داستانی محمدرضا بایرامی با موضوع جنگ تحمیلی- نهر بزرگ.

عمودی: ۱) ششم- فرایمان ماست- فیلم کوتاه تبلیغی ۲) بازیگر مرد مجموعه تلویزیونی زیرخاکی- خطاب مردانه ۳) ادامه یافتن- پایتخت غنا- شهرآورد ۴) ارسباران امروزی- معدنی- نام مادر امام زمان(عج) ۵) من و شما- پرنده سخنگو- مکتب واقع‌گرایی ۶) جانوری درنده از خانواده گربه‌سانان- در هنگام شب- همگی ۷) پروردگار ما- عادی- باطل کردن ۸) چند وکیل- جوان- مرطوب ۹) ابزار درودگری- بیماری کبدی- ماده اصلی ۱۰) مخالف- غم کسی را کاستن- سرگرمی آموزنده ۱۱) صفحه نمایش- جای بلند- محکم کردن ۱۲) گواه- چاشنی غذایی تند- نام ماندگار موسیقی آلمان ۱۳) زبان عربی- فلانی- رمان مشهور پائولو کوئیلو ۱۴) مقابل رفت- روز ضربت خوردن حضرت علی (ع) در مسجد کوفه ۱۵) دایره‌المعارف فرانسوی- هم‌رزم گاندی- خواهش و تمنا.

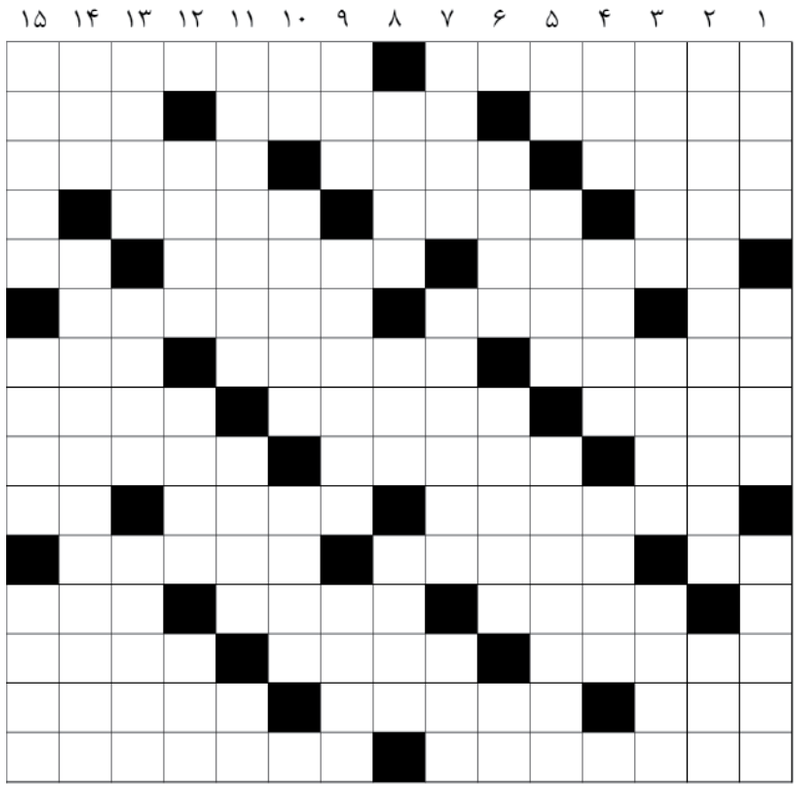

جدول ویژه

افقی: ۱) بخت فرخنده- سنگین‌وزن‌ترین پرنده خانگی ۲) تمسک جوینده- بی‌بند و بار- شهری در فارس ۳) قهرمان تروا- کننده کاری- ساقه زیرزمینی در تک‌لپه‌ای‌ها ۴) میثاق- مرد بی‌زن- سخن چین ۵) محفل- شکسته- از محبت سرکه‌ها... می‌شود ۶) چیز- حروف اختصاری نیروی انتظامی کشورمان- شاعر و عارف ایرانی قرن هفتم ۷) زحمتکش- آماده- نوعی بیماری عصبی ۸) مربوط به شهر- ناپاکی- غیر از مورد قبلی ۹) رفوگر- قدیمی‌ترین کتابخانه جهان در این کشور است- طول و تفصیل ۱۰) از سبزی‌های خوردنی- منزل آذری- تکرار حرفی ۱۱) نیکو- سخت و محکم- ضروری ۱۲) میوه ترش‌شده و فاسد- فرمانروا- ریزریز کردن ۱۳) صافی- وقت و هنگام- طولانی‌ترین رود فرانسه ۱۴) بطن- بزرگ‌منشی- راننده درشکه ۱۵) غده درون‌ریز در مغز- اولین دوره شاهنامه.

عمودی: ۱) طمعکار- صدای باران- گل بهاری ۲) از آثار داستانی زنده‌یاد سعید نفیسی- یك نفر ۳) تکیه دادن- انبوه، فراوان- تپه باستانی آتن ۴) تنها ماده غذایی که فاسد نمی‌شود- فرعی- خاك ۵) سیخونك- سرشماری- دستگاه ثبت انقباض عضلات ۶) نیم‌تنه نظامی- قلع- استفراغ ۷) نیزه کوتاه- غیرزمینی- لابیرنت ۸) داناتر- گوسفند جنگی- علم نحو می‌داند ۹) سبزی- دارای جنبه تظاهر- وسیع‌ترین قاره ۱۰) بله فرانسوی- سرزنش- وسیله‌ای برای برقراری ارتباط تصویری اینترنتی ۱۱) به طور قطع و یقین- خاموش- پسوند شباهت ۱۲) قدرت- آوازی در دستگاه شور- از پیامبران الهی ۱۳) متعهد- بهره- ریاست ۱۴) یك حرف و سه حرف- نخست‌وزیر زن تاریخ بریتانیا و ملقب به بانوی آهنین ۱۵) به‌هنجار- درختی بلند و خودرو- قابل مشاهده.

حل جدول عادی شماره ۵۶۵۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	خ	و	د	س	ت	ا	ی	ی	■	ف	ر	ا	خ	ن	ا
۲	م	ح	ا	ب	ا	■	م	ت	ع	چ	ب	■	ن	ی	ل
۳	س	ی	■	ک	و	ر	ی	■	ق	ر	ا	ن	■	ک	ک
۴	ه	د	ف	■	ا	ف	ن	د	ی	■	■	خ	ل	و	ت
۵	■	■	ج	ا	ن	ی	■	ا	ق	ا	ق	ی	ا	■	ر
۶	ش	ن	ا	ژ	■	ق	د	ر	ا	ب	و	ل	ی	و	ی
۷	ی	ا	ر	ا	ن	■	م	ا	ک	و	ل	■	ق	ی	س
۸	خ	ف	■	ن	ا	د	ر	■	ا	ی	ن	ک	■	ر	ی
۹	ل	ل	ه	■	ر	و	ل	و	ر	■	ج	ا	ل	و	ت
۱۰	ط	ه	م	ا	س	ب	■	ا	ی	ز	■	س	و	س	ه
۱۱	ف	■	ی	د	ا	ل	ل	ه	■	ا	ش	ت	ی	■	■
۱۲	ا	ش	ن	ا	■	■	ب	ی	س	ی	م	■	ی	و	ز
۱۳	ل	ی	■	ب	ا	ب	■	ب	ش	ا	■	ش	ا	ا	ا
۱۴	ل	و	ا	■	س	ر	ب	ا	ز	■	ر	خ	ت	ک	ن
۱۵	ه	■	ا	گ	د	ا	ن	■	ب	ی	چ	ش	م	و	ر	و

حل جدول ویژه شماره ۵۶۵۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ب	ا	ب	ا	غ	و	ر	ی	■	پ	و	ل	س	ا	ز
۲	م	ش	م	و	ل	■	ن	ا	و	و	س	■	س	خ	ی
۳	ب	و	■	خ	م	و	د	■	ر	ک	غ	ت	■	ت	ر
۴	ک	ر	ا	■	ا	ر	ه	ا	ش	■	■	ا	ف	ر	ا
۵	■	■	ط	ی	ن	ت	■	ت	و	ا	ش	ی	ح	■	ب
۶	ع	ر	ف	ا	■	ر	ج	ا	■	ت	و	ر	ا	ه	ی
۷	م	ه	ا	ن	ت	■	م	ن	ت	ق	م	■	ش	ر	ر
۸	ا	ی	■	ه	و	ر	ا	■	ر	ا	ی	ت	■	ا	ف
۹	د	د	ت	■	پ	ا	ز	ن	د	■	ز	ی	ا	ر	ت
۱۰	ا	ن	ش	ق	ا	ق	■	ا	د	ا	■	م	و	ه	ن
۱۱	ل	■	ر	ا	ز	ی	ن	ه	■	ک	ز	ا	■	■	■
۱۲	ک	ر	ف	س	■	■	س	ی	ر	ا	ب	■	ک	ن	ه
۱۳	ت	ه	■	م	ه	د	ی	■	ن	ه	ی	ب	■	ب	ا
۱۴	ا	ب	ا	■	ا	و	م	ا	ج	■	د	ز	ف	و	ل
۱۵	ب	ر	و	ب	ی	ا	■	ه	ر	ک	ی	ه	ر	ک	ی